

رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی

اکبر ولزاده*

دکترای روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۷/۱۰/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۸/۱۱/۱۴)

چکیده:

تحریم به عنوان ابزار فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها همواره مد نظر بوده و ادبیات آن نیز یکی از بحث‌انگیزترین و غیرقطعی‌ترین ادبیات‌ها در روابط بین‌الملل است. با توجه به فضای موجود داخلی و بین‌المللی درباره تحریم ایران، این پژوهش تلاش دارد برخی از این رهیافت‌ها و دیدگاه‌های نوین را در ارتباط با کارایی تحریم‌ها بویژه تحریم اقتصادی از منظر اقتصاد سیاسی - بین‌المللی بررسی و تبیین کند.

واژگان کلیدی:

تحریم، تحریم اقتصادی، کارایی سیاسی، اقتصاد سیاسی بین‌المللی، بالدوین، هافبائر و اسکات، نظریه فشار مضاعف، رهیافت بازدارندگی، رهیافت سمبولیک، تحریم یکجانبه، چندجانبه

Email: Pooya259@yahoo.com

* فاکس: ۷۷۶۹۶۵۰۵

از این نویسنده تاکنون مقاله ذیل در همین مجله منتشر شده است:
«تحریم منع گسترش در تئوری‌های روابط بین‌الملل (نظریه‌های سه گانه: منافع، نهادها و هنجارها)»، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۸۷.

" تحریم‌ها، تسلیحاتی مهم در زرادخانه سیاست هستند. البته این تسلیحات نیز مانند تمامی تسلیحات راهبردی دیگر باید با حداکثر احتیاط به کار گرفته شوند. " پی اوکوئین

مقدمه

قرن بیستم را باید سرآغاز حرکتی جدید در استفاده از ابزار اقتصادی در سیاست خارجی شمرد. از گذشته دور کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان از ابزار تحریم بخصوص تحریم اقتصادی به عنوان یکی از اهرم‌های فشار استفاده می‌کردند. تحریم به عنوان ابزار فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها سابقه طولانی و تقریباً نامشخص دارد. به عبارت دیگر، اگر چه تحریم‌ها و محاصره اقتصادی بیشتر به سیاست جهانی معاصر مربوط است اما استفاده از این شیوه در تاریخ سابقه طولانی دارد. با ایجاد جامعه ملل و متعاقب آن سازمان ملل، تحریم اقتصادی اهمیتی تازه در ماهیت و اجرا بدست آورد. در دوران، جنگ سرد الگو و نوع در تشبث به تحریم فراوان بود. بین ۱۹۴۵ و ۱۹۹۰ بعضی اشکال تحریم بر دیگر ملل بیش از شصت بار و با نرخ میانگین سالانه بیشتر از یک مورد تحریم جدید تحمیل شد. بیش از سه چهارم این موارد تحریم‌ها بوسیله آمریکا شروع و تداوم یافت. از میان این دسته، بیش از سه چهارم موارد صرفاً توسط آمریکا و بدون شرکت دیگر کشورها اعمال شد (Lopez 1995: 65).

در چشم‌انداز کلی، تحریم شامل هر عمل منفی یا پاسخ به عمل یا کنش در چارچوب اهداف تحریم است. «هنری بنین» و «رابرت گیلپین» تحریم را دستکاری روابط اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی توصیف می‌کنند که «به منظور ناگزیر کردن جامعه به تغییر سیاست یا حکومت خود، آن را تهدید به تنبیه اقتصادی می‌کند» (زهرانی ۱۳۷۶: ۶۷). «مایکل مالوی» اعتقاد دارد که تحریم سلسله اقدامات بدون استفاده از قوای تهدید علیه کشور هدف یا فرد مورد نظر است (Malloy 1990: 7). همچنین از نظر «بری ای کارتر» تحریم عبارت است از: اقدامات اجباری علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌ها یا دست کم نمایش ایده‌های یک کشور در قبال سیاست‌های دیگر کشورها است (Carter 1989: 11). همچنین تحریم را نیز می‌توان عمل تنبیهی بوسیله کشوری علیه کشور دیگر، برای تلافی رفتار قبلی غیرقابل پذیرش تعریف کرد.

مارگارت داکسی از نویسندگان مطرح در موضوع تحریم اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی را اینگونه تعریف می‌کند: تنبیهاتی که در قالب تبعات اعلام شده ناکامی هدف در تبعیت از استانداردهای یا الزامات بین‌المللی، تهدید به اجرا و یا واقعا اعمال شده اند (Doxey 1996: 9). کارتر تعریفی دیگر از تحریم‌های بین‌المللی دارد و آن اینکه: اقدامات اقتصادی زورمدارانه که

علیه یک یا چند کشور اعمال می‌شوند و هدف آن تلاش برای اجبار به تغییر سیاست یا حداقل اثبات نظر کشور تحریم کننده درباره سیاست‌های کشور دیگر است (Carter 1989 : 13) «رابرت پی اوکوئین (Robert P O Quinn) در کتاب خود «راهنمای تحریم‌های اقتصادی»، این مسئله را مطرح می‌کند که آیا تحریم‌ها واقعا راهی مناسب برای تامین اهداف سیاست خارجی هستند» و «برای اطمینان از پیشبرد منافع از طریق این تحریم‌ها، چه راهبردهایی باید در کنترل آنها به کار گرفته شود». وی می‌افزاید: «تحریم‌ها تسلیحاتی مهم در زرادخانه سیاست هستند». البته این تسلیحات نیز مانند تمامی دیگر تسلیحات راهبردی باید با حداکثر احتیاط به کار گرفته شوند تا مبادا شرکت‌های خودی و کارگران، تامین کنندگان و سهامداران آنها هدف آتش خودی قرار گیرند (Quinn2000: 28). هافبائر و اسکات با محدود کردن تعریف به ابعاد عملیاتی، معتقدند: تحریم اقتصادی عبارت است از: حذف آگاهانه و باخواست دولتی و یا تهدید به حذف روابط تجاری و مالی معمول (Hufbauer and Schott 1999 :32). مزیت چنین تعریفی آن است که خود را به حقایق مشهود و نه تفسیر انگیزه‌ها محدود می‌کند. این تعریف از ماده ۴۱ منشور سازمان ملل استفاده می‌کند که مبنای حقوقی تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل است. در ماده ۴۱ هیچ اشاره‌ای به تحریم اقتصادی نشده است بلکه تنها فهرستی غیرجامع از ابعاد اجرایی این اقدامات ارائه می‌کند که شامل «تفسیر کامل یا جزیی روابط اقتصادی و راه آهن، دریا، هوا، پست، تلگراف، رادیو و دیگر ابزارهای ارتباطی و تحدید روابط دیپلماتیک است» (Davidsson1996:3). پس از این مباحث و آشنایی با تعارف موجود در ارتباط با تحریم، موضوع کارایی تحریم را بررسی می‌شود.

۱. رهیافت‌های اتخاذ تحریم‌های یک و چندجانبه

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعدد درباره تحریم‌های یک جانبه و بین‌المللی انجام گرفته است. اکثر بحث‌ها درباره تحریم‌ها، عمدتاً به بررسی میزان کارایی آنها متمرکز بود. در ارتباط با میزان کارایی و موفقیت تحریم‌ها در حصول به اهداف مورد نظر، دیدگاه‌های مختلف و بعضاً متضاد وجود دارد. پیش از بررسی و تبیین برخی از این دیدگاه‌ها ضروری است نگاهی به بحث نظریه‌های مربوطه به اتخاذ تحریم‌ها و دیدگاه چند نظریه پرداز معروف جهان در این عرصه داشته باشیم.

الف. رهیافت نمادین (سمبولیک)

محققان در بررسی‌های خود درباره تحریم، معمولاً چند رهیافت را برای آغاز تحریم‌های اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهند: «رهیافت سمبولیک/سیاست داخلی» (The Domestic Politics Symbolic Approach) که بر سیاست‌های داخلی کشوری اعمال کننده تاکید دارد. از یک سو،

فشار از سوی مردم و گروه‌های ذینفع داخلی / بین‌المللی که خواهان گرفتن منفعت مادی و غیرمادی از تحریم‌ها هستند، کشور اعمال‌کننده را به اجرای تحریم‌های اقتصادی علیه هدف وادار می‌کنند. به ویژه آنکه تحریم‌های اقتصادی جایگزینی کم هزینه تر و مشهودتر از اقدام نظامی یا عدم واکنش در برابر کشور هدف را برای کشور اعمال‌کننده فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، فشار مردم یا گروه‌های ذی‌نفع داخلی / بین‌المللی که ضررهای مادی و غیرمادی را از تحریم متحمل می‌شوند، مانع سیاست‌های کشور اعمال‌کننده می‌شود. بنابراین، توازن دینامیک این قدرت‌های متقابل تعیین‌کننده امکان تحریم علیه کشور هدف از سوی کشور اعمال‌کننده است. به علاوه، این مسئله نیز قابل تامل است که احتمال اعمال تحریم اقتصادی بوسیله کشور فاقد ثبات اقتصادی علیه کشور دیگر به دلیل تاثیرات منفی و تشدید بی‌ثباتی داخلی، بسیار کم است (Galtung 2003:135).

ب. رهیافت بازدارندگی

«رهیافت بازدارندگی / تهدید» (The Signaling / Deterrence Approach) معتقد است تحریم ابزاری مناسب برای بازدارندگی و تهدید است؛ زیرا سیاست خارجی کشور را در فضایی از اطلاعات ناکامل هدایت می‌کند. کشور اعمال‌کننده در صورت تهدید به اقدام نظامی، هزینه‌هایی بسیار بیشتر متحمل می‌شود. بررسی‌های آماری تا حد زیاد این گفته را تایید می‌کند.

مدل «انتظارات متناقض» (Conflict expectations) که بوسیله دانیل درزرنر مطرح شد دو پیش‌بینی را درباره الگوی تلاش برای تحریم ارائه می‌کند: اول، در هیچ تحریمی نباید هزینه ایجاد شده برای کشور اعمال‌شده بیشتر از هزینه کشور هدف باشد؛ دوم، انتظارات متناقض باید رابطه‌ای مستقیم با هزینه‌های کشور اعمال‌کننده داشته و عین حال رابطه‌ای معکوس با هزینه کشور هدف داشته باشد. شواهد بررسی‌های آماری هر دوی این گفته‌ها را تایید می‌کنند (Drezner 1999:37).

هدف از تحریم را در چارچوب کلی می‌توان شامل موارد ذیل دانست:

۱. تهاجمی: در این حالت تحریم برای تغییر رفتار کشوری خاص به کار گرفته می‌شود؛
۲. دفاعی: در این حالت تحریم برای کاهش سریع توسعه توانایی‌های استراتژیک کشوری خاص به کار گرفته می‌شود؛
۳. ارتباطی: در این حالت تحریم برای ارسال پیام عدم رضایت نسبت به رفتار کشوری خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد (Oudraat 2000: 117).

۲. نظریه پردازان و مفاهیم نوین در ادبیات تحریم

در ادامه بحث‌ها تلاش می‌شود در اینجا دیدگاه چند نویسنده و محقق برجسته و فعال در عرصه تحریم‌ها به ویژه تحریم اقتصادی و مفاهیم و واژه‌های جدید در ادبیات تحریم بررسی و تبیین شود.

الف. نظریه پردازان پیشگام: هافبائر، اسکات و بالدوین

گری هافبائر و جفری اسکات نویسندگان کتاب بازنگری در تحریم‌های اقتصادی، سال‌ها در این عرصه به قلم فرسایی پرداختند و کارشان مبنایی برای سایر محققین و پژوهشگران شد. دیوید بالدوین نیز با آثار ماندگار خود بنام «دولتمداری اقتصادی» و تحریم‌های اقتصادی به عنوان پیشگام در این عرصه مطرح است و نویسندگان بسیار در آثار خود به آرا و اندیشه‌های وی استناد کرده‌اند. هافبائر، اسکات و بالدوین رئالیست هستند و همه پژوهش‌های آنها در چارچوب سنت واقع‌گرایی روابط بین‌الملل انجام شده است (Von Furstenberg 1991:69). با این حال، شیوه تفکر نویسندگان این دو پژوهش درباره تحریم، به ویژه در باب کارکردها و اهداف آن تفاوت‌های بسیار با هم دارند. هافبائر و اسکات بر استفاده از تحریم به عنوان روشی برای تغییر رفتار دولت تحریم‌شونده مطابق درخواست دولت تحریم‌کننده تأکید می‌ورزند. واژه «اجبار» در عنوان این بحث بر این دیدگاه دلالت دارد. در حالی که بالدوین به استفاده مستقیم و اجبار آمیز از تحریم اشاره می‌کند؛ ولی عمدتاً بر استفاده نمادین از تحریمها تأکید دارد (Abbott 1987:711). هافبائر و اسکات درباره روابط بین‌الملل نظری کاملاً هابزی دارند. بخش زیادی از کتاب «بازنگری در تحریم‌های اقتصادی» مختصراً به توصیف ۱۰۳ مورد از تحریم‌های اقتصادی قرن بیستم می‌پردازد که از مطالعات موردی انجام شده در ادبیات روابط بین‌الملل گردآوری شده‌اند.

روش دیوید بالدوین تحلیلی و نه تجربی است. وی تلاش می‌کند چارچوبی کامل‌تر برای تفکر و تعمق در باب ابزارهای اقتصادی قدرت بین‌المللی ارائه دهد. مهم‌ترین عنصر چارچوب تحلیلی بالدوین این توصیه است که فرد قبل از تحلیل یا ارزیابی هرگونه تحریم اقتصادی، ابتدا باید به دقت و به طور مشروح، تعیین کند «چه کسی سعی در مجبور ساختن چه کسی به انجام چه کاری دارد». بزرگ‌ترین کمک بالدوین توضیح متقاعدکننده وی درباره جهت‌گیری‌ها در تحریم‌های اقتصادی است.

بالدوین با این امر موافق است که فشار اقتصادی از اهداف تحریم‌های اقتصادی است. اما وی بر خلاف هافبائر و اسکات، استدلال می‌کند که تحمیل هزینه‌های اقتصادی بر دولت تحریم‌شده به خاطر عدم موافقت با خواسته‌های دولت تحریم‌کننده، باید روش موفقیت‌آمیز

اعمال نفوذ در نظر گرفته شود؛ حتی اگر دولت تحریم شده رفتار یا سیاست خود را تغییر ندهد (Baldwin 1985: 35). بالدوین خود به سیاستگذاران توصیه می‌کند که از تحریم‌ها انتظارات زیاد نداشته باشند و به پیامدهای عدم انجام هیچ کاری توجه کنند. بالدوین تلاش دارد رویدادهای تحریم را به خاطر اهداف «سودمند» آن مورد بررسی قرار دهد. به عبارت دیگر، بررسی استفاده از تحریم به عنوان «فعالیتی که در راستای نتایج مورد انتظار صورت می‌گیرد و نه اینکه صرفاً به خاطر خودش انجام گیرد» از نظر بالدوین چون اکثر محققین تحریم یکی از چند وسیله ای ابزاری می‌باشند که برای حصول اهداف سیاست خارجی، اهدافی که می‌توان آنها را به طور عقلایی اقامه کرد، بکار می‌رود، لذا سئوالی که برای وی مانند دیگران مطرح است این که اهداف سودمند این نوع از دولتمداری چیستند (زهرانی ۱۳۷۷: ۶۳)؟

ب. Manipulative و coercive در ادبیات تحریم

در این قسمت ضروری است تفاوت میان دو نوع تحریم؛ «تحریم‌های اجباری» و «با دستکاری» کاملاً مشخص شود. تحریم «با دستکاری» از نظر مخاطب، نحوه عملکرد آن و هدف با تحریم «اجباری» متفاوت است. این نوع تحریم، جامعه کشور مورد هدف را مد نظر قرار می‌دهد و الزاماً پیامی روشن برای حکومت ندارد. تحریم با دستکاری به جای سعی در اجبار طرف مقابل، سعی در تحریک و تهییج وی دارد. هدف این گونه تحریم‌ها، ایجاد فاصله بین مردم و رهبرانشان است. به حدی که رهبران مواضع قدرتمند خویش را از دست بدهند. این فرض که تحریم قهرآمیز یا اجبار آمیز، درصدد تاثیرگذاری بر جامعه ای برای تغییر سیاست‌های حکومت خود است، نادرست است. گرچه این جامعه کشور مورد نظر است که از پیامدهای تحریم قهرآمیز رنج می‌برد؛ اما چنین تحریم‌های متوجه رهبری جامعه و نفوذ بر آن است و نه خود جامعه. از این رو تحریم اجباری باید در برگیرنده پیامی روشن باشد که بیانگر تغییر سیاست مورد نظر از جانب رهبری کشور مورد نظر است. دولتمردان کشور تحریم کننده ممکن است چنین پندارند که رهبران کشور هدف برای این که مطرود جامعه خود واقع نشوند؛ تسلیم می‌شوند. اما این نیز ممکن است که رهبران کشور هدف بر اساس محاسبه عقلایی و یافتن بهترین راه حل برای کشورشان، به تغییرات خواسته شده گردن نهند (Merron 1990:73). چون مخاطبین تحریم با دستکاری عموم مردم اند و هدف، بیگانه ساختن آنها از رهبران است، به تنهایی نمی‌تواند نتیجه مطلوب بدهد. برای همین که فشار خارجی به فروپاشی جامعه مورد نظر منجر شود، مداخله همه جانبه در آن جامعه ضروری است. برای این که تحریم با دستکاری اثر بخش باشد، باید بی ثبات سازی هم مد نظر قرار گیرد. در حالی که تحریم‌های اجباری به ندرت به اهداف سیاسی خود دست می‌یابند؛ تحریم‌های با

دستکاری همراه با ابزارهای دیگر، اثر بخشی بیشتر دارند. به تعبیری خط مشی بی ثبات سازی، پیوسته مبتنی بر تحریم‌های با دستکاری است. بی ثبات سازی قصد تغییر سیاست حکومت کشور مورد نظر را ندارد. در عوض به دنبال متزلزل کردن نظم اجتماعی و سیاسی است تا به این وسیله جامعه خود ناگزیر از تغییر رهبری سیاسی اش شود. از این رو هدف بی ثبات سازی بیش از آنکه سیاست باشد، سیاسی است. چرا که بی ثبات سازی مفهومی کاملاً پیچیده و بغرنج است. بنابراین، صرفاً، قدرت اقتصادی و میزان توانایی در کنترل نمی تواند بیان کننده شکست یا پیروزی اصل بی ثبات سازی باشد (1990:88).

۳. دیدگاه «سنت گرایان» و «تجدید نظر طلبان»

در ارتباط با میزان کارایی و موفقیت تحریم در رسیدن به اهداف تعریف شده، به طور عمده می توان به دو دیدگاه خاص اشاره کرد. بحث نظری معمول در این باره غالباً به شکل سنت‌گرایان (Traditionalists) در برابر تجدیدنظرطلبان (Revisionists) مطرح می‌شود. سنت-گرایان معتقد به ناکارآمدی تحریم هستند. در مقابل، دیدگاه تجدید نظر طلبانه نیز وجود دارد که این اعتقاد عمومی را که تحریم‌ها موثر نیستند به مبارزه می‌طلبند از این نظر بوسیله دیوید بالدوین قویاً حمایت شده و وی استدلال می‌کند که بر خلاف تاکیدهای مکرر مجریان و محققین تحریم‌ها واقعا موثر هستند و مشکل واقعی عبارت از خرد دریافت شده است. بالدوین با استفاده از دیدگاه تحلیلی قدرت که از کتاب‌های "راجع به قدرت اجتماعی" برگرفته شده، استدلال می‌کند که وقتی تحریم‌های اقتصادی به عنوان بخشی از برنامه‌های دولت برای اعمال نفوذ بر سایر بازیگران نظام بین‌المللی در نظر گرفته شوند، وسیله‌ای واقعاً موثر در کشورداری می‌باشند (nossal 1989:30).

دیوید بالدوین در نقد سنت گرایان می‌نویسد: «به سختی بتوان موضوعی در ادبیات روابط بین‌الملل پیدا کرد که بیش از تحقیر استفاده از تکنیک‌های اقتصادی در هنر سیاستمداری، مورد پذیرش عمومی قرار گرفته باشد». وی در سخنان خود به مواردی مانند مطالعات هنری بینن و رابرت گیلپین اشاره می‌کند که پذیرفته‌اند «در میان متفکرین این باور تقریباً همه‌گیر وجود دارد که تحریم‌ها به ندرت به اهداف مورد نظر خود می‌رسند بلکه با احتمال بیشتر پیامدهایی مخرب و شدید به همراه دارند» (knorr 1992 : 29). مارگارت داکسی می‌گوید: «در هیچکدام از موارد بررسی شده در این مطالعه، تحریم‌های اقتصادی نتوانسته‌اند به نتیجه سیاسی دلخواه منجر شود» (Doxey 1995: 118). یوهان گالتون معتقد است: «تأثیر احتمالی تحریم‌ها غالباً منفی است» (Galtung 1988 : 20). و دونالد لسمن که می‌گوید موارد مورد مطالعه وی «در دستیابی به اهداف سیاسی خود ناکام بوده‌اند و غیرمحمول به نظر می‌رسد که

اقدامات اقتصادی در آینده نیز بتوانند به سرنوشتی بهتر برسند» (12 : losman 1992). در میان نویسندگان معاصرتر، «رابرت پیپ» (Robert Pape) این دیدگاه را با جدیت تمام باور داشته و نام مقاله خود را نیز «چرا تحریم های اقتصادی موفق نیستند» نهاده است.

بالدوین در کتاب خود که غالباً به عنوان اثری برتر نسبت به دیدگاه تجدید نظر طلبانه محسوب می‌شود؛ این سوال را مطرح می‌کند که آیا در تحلیل موارد تحریم از «استانداردهای دو گانه» و مستعد برای ترفیع جوانب منفی و غیر مهم جلوه دادن جوانب مثبت چنین اقداماتی استفاده نشده است (Baldwin 1995:73). از جمله آثار دیگر که جز موارد تجدیدنظرطلبانه محسوب شده و یا به آن گرایش دارند، می‌توان به نوشته ام اس دودی و ام اس داجانی اشاره کرد که نتیجه می‌گیرند: «تحریم سلاحی مفید و کارآمد در سیاست بین الملل است» (Daoudi and Dajani 1983 : 53). بری کارتر می‌گوید: «شواهد تاریخی متقاعدکننده‌ای وجود دارد که تحریم ممکن است گاهی به ابزاری کارآمد برای رسیدن اهداف سیاست خارجی تبدیل شود» (84 : Carter 1985). لیزامارتین که معتقد است: «تحریم ابزاری مفید در سیاست خارجی است» (52 : martin 1993)؛ جاناتان کرشنر می‌نویسد: «این نتیجه بنیادی واضح است که (تحریم های الزام‌آور) قدرت قابل توجه خود را به اثبات رسانده اند.» و الیزابت راجرز که نتیجه‌گیری می‌کند: «تحریم‌های اقتصادی بسیار کارآمدتر از چیزی است که اغلب تحلیلگران می‌گویند» (16 : Rogers 1993).

شاید بهترین نمونه برای نشان دادن عدم قطعیت در مسئله تحریم، مطالعات گری هافبائر، جفری اسکات و کیمبرلی آن الیوت باشد که هر دو سنت گرایان و تجدید نظر طلبان آن را به عنوان اثباتی برای موضع خود مطرح می‌کنند (124 : jentleson 2000). این دیدگاه مطرح است که بکارگیری بسیاری از تحریم‌ها به طور قطع نشان می‌دهند که این تحریم‌ها «موثر» نمی‌افتند. همانطور که «ام . ای . داودی» (M.S. Daoudi) و «ام . اس . داجانی» (M.S. Dajani) در بررسی جامع خود از هفت دهه تحقیقات و اعلام نظرهای دولتی در مورد تحریم‌ها نشان داده اند این نظریه که اعلام نظرهای دولتی درباره تحریم‌ها نشان داده اند این نظریه که اقدامات مزبور اهرم غیرموثر کشورداری است تقریباً به صورت امری بدیهی جلوه گر شده است (Daoudi and Dajani 1983 : 57).

۴. کارایی سیاسی و کارایی اقتصادی تحریم‌ها

در اینجا باید به دو مفهوم مهم در ادبیات تحریم اشاره کرد: یکی، کارایی اقتصادی تحریم به معنای توفیق آنها از دید اقتصادی و دیگری، کارایی سیاسی تحریم به معنای موفقیت آنها در ایجاد واکنش سیاسی مطلوب و مورد نظر که باید بین این دو مفهوم تفاوت قائل شد. کارایی

سیاسی نیازمند آن است که تحریم کارایی اقتصادی داشته باشند. اما این اثر لزوماً به معنای تضمین موفقیت سیاسی آنها نیست. در خصوص کارایی تحریم‌ها همانطوری که گفته شد، از نظریه بازدارندگی استفاده می‌شود؛ یعنی باید تحریم کننده، تحریم شونده را وادار به تغییر رفتار نماید. از زمان توسیدید، ماکیاولی، روسو، مورگنتا تا دیوید بالدوین استراتژی تحریم در ابعاد مختلف بکار رفته است. عده‌ای معتقدند که تحریم‌ها فاقد کارایی هستند؛ این عده با اشاره به نظریه‌های وابستگی متقابل استدلال می‌کنند که چون احکام بر نظام بین‌المللی پیچیدگی است، تحریم شونده می‌تواند با توجه به امکانات مختلف در دنیای وابستگی خود را از تحریم نجات دهد. عده‌ای دیگر تحریم‌ها را موثر می‌دانند، اما در مورد عامل و عنصر زمانی اختلاف نظر دارند. زمان برای عده‌ای، پدیده‌ای است در جهت تحکیم تحریم، حال آنکه عده‌ای دیگر زمان را در جهت مخالف اهداف تحریم می‌دانند (Nossal 1989:58). یعنی عده‌ای با استفاده از استراتژی حمله غافلگیرانه می‌گویند؛ اگر تحریم در کوتاه مدت نتواند روحیه تحریم شونده را تخریب بکند؛ یعنی تعادل روحی دولت و ملت تحریم شده را به هم نزنند، تغییر رفتار انجام نمی‌گیرد. چرا که در دراز مدت انسانها با بدتر شدن وضعیت به طور تدریجی خود می‌کنند؛ نداری، فقر و کمبود برای آنها عادی می‌شود. حال آنکه عده‌ای می‌گویند چنین نیست. اگر کشور تحریم شونده به مدت طولانی تحت تحریم قرار گیرد، اقتصاد آن در دراز مدت فلج می‌شود. مثلاً در تحریم «داماتو» به نیاز ایران به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت اشاره می‌کنند و می‌گویند؛ اگر ایران نتواند وسایل مدرن و پیشرفته جهت حفاری چاه‌های نفت بدست بیاورد، کشورهای رقیب و همسایه ایران بخصوص کشورهای عربی با در دست داشتن ابزارهای حفاری پیشرفته که غالباً در خدمت شرکت‌های نفتی آمریکاست، خواهند توانست منابع زیرزمینی مشترک را بهره‌برداری کنند (عسگرخانی، ۱۳۷۶). برخی سه هدف عمده اطاعت، براندازی و بازدارندگی را برای تحریم‌ها قائل می‌شوند. اگر این اهداف عملیاتی شوند، در واقع به دو دسته تغییر رفتار و بی‌ثباتی مبدل می‌شود. از این منظر، تحریم‌های اقتصادی به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: دسته اول، تحریم‌ها با هدف تغییر رفتار و گروه دوم، تحریم‌های با هدف بی‌ثباتی است. این دو نوع تحریم از سه زاویه؛ هدف، مخاطب و شیوه عمل با هم تفاوت دارند. در تحریم‌های با هدف تغییر رفتار، همانگونه که روشن است هدف، تغییر رفتار است. مخاطب، حکومت و نوع اعمال، مستقیم و با شیوه‌ها و سازوکارهای رسمی و غیر پیچیده است اما در تحریم نوع دوم که هدف بی‌ثباتی یا سرنگونی است، مخاطب و شیوه کار پیچیده و غیرمستقیم است. در این نوع تحریم، توجه اصلی به مردم است. هدف این است که با فشار به مردم آنها ناگزیر شده تا از حکومت فاصله بگیرند (زهرانی ۱۳۷۶: ۲۴). البته این مسئله در جوامعی بروز می‌کند که دارای طبقه متوسط باشند و میزان

طبقه متوسط نسبت به طبقه فقیر و ثروتمند چشمگیر باشد. مباحثی از قبیل نهادها و رهبری نیز مهم هستند. این تحریم باعث می شود که کشور تحریم کننده با فشار اقتصادی باعث می شود تا این طبقه که زمینه بیشتر برای سیاسی شدن دارد؛ در نهایت سر به شورش گذارد. با شورش و ناآرامی این طبقه در عمل حکومت متزلزل می شود (Oudraat 2000: 114).

۵. کارایی تحریم از دیدگاه نظریه های اقتصاد سیاسی بین المللی

نظریه های تحریم جز جدا نشدنی ادبیات مربوط به بکارگیری قدرت انحصاری است. تصور بر این است که با وجود وابستگی اقتصادی یک کشور به کشور دیگر در صورت قطع این روابط کشور اول آسیب جدی خواهد دید. با وجود این، نظریه های وابستگی به دو دسته تقسیم می شود: دسته اول، آنهایی است که وابستگی اقتصادی را برابر با آسیب پذیری می داند و بنابراین تاکید می کنند که اگر فشار اقتصادی به کشور وابسته وارد شود این کشور در زمینه های دیگر آسیب پذیر می شود. گروه دیگر از مکتب وابستگی کسانی هستند که می گویند وابستگی اقتصادی لزوماً به آسیب پذیری، بخصوص در بعد اجتماعی منجر نمی شود. در سیاست بین الملل تحریم ها، بخصوص تحریم اقتصادی به طور عمده بر مبنای مکتب واقع گرایی و نو واقع گرایی است. از دید واقع گرها، روابط بین الملل از یک وضع خودسر شکل می گیرد. در چنین وضعیتی نهادی فراملی وجود ندارد که قادر به حفظ نظم و تدوین و اجرای قواعد باشد و خیر عامه را لحاظ کند؛ لذا هر کشوری سعی می کند به منظور دستیابی به اهداف خویش هر چه بیشتر تلاش کنند، تا در دولت های دیگر تاثیر گذارد. بنابراین، استفاده از هر گونه ابزار از جمله اقتصاد واقعی از زندگی است و در این منظر توجه چندان به جنبه های اخلاقی تحریم نمی شود. در اینجا تحریم اقتصادی جزئی از مهارت های دیپلماتیک است که طی قرون متمادی اعمال شده است. تحریم علاوه بر اهداف معمول، استراتژی قهرآمیز و جایگزین جنگ لحاظ می شود. این استراتژی به منظور زمینه سازی تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور هدف یا حتی به عنوان مقدمه ای برای جنگ اعمال می شود (زهرانی ۱۳۷۶: ۲۰). برای بررسی تاثیر و کارایی تحریم ها از منظر اقتصاد سیاسی باید چهار عامل را در نظر گرفت:

۱. اثر (Impact) یا هزینه تحریم بر کشوری که هدف تحریم قرار گرفته است؛
۲. موثر بودن (Effectiveness) تحریم در نیل به اهداف مورد نظر و تاثیر تحریم بر رفتار و ماهیت رژیم تحت تحریم؛
۳. مطلوبیت (Utility) تحریم در نیل به اهداف مورد نظر، یعنی هزینه تحمیل شده بر کشور تحت تحریم منهای هزینه اعمال تحریم برای کشور تحریم کننده؛

۴. مطلوبیت نسبی (Relative Utility) تحریم در مقایسه با سایر ابزارهای موجود .
 تحریم هنگامی موفق است که اولاً، هزینه سنگین بر کشور تحت تحریم تحمیل نماید؛ ثانیاً، فشار اقتصادی را به فشار سیاسی موثر تبدیل کند و تغییرات مورد نظر را در رفتار و یا ماهیت رژیم تحت تحریم بوجود آورد؛ ثالثاً، هزینه‌ای که بر اقتصاد کشور تحت تحریم تحمیل می‌کند به مراتب بیشتر از هزینه آن برای اقتصاد کشور تحریم کننده باشد؛ بالاخره، در مقایسه با سایر ابزار و سیاست‌های ممکن از مطلوبیت بیشتر برخوردار باشد. درباره تحریم این مسئله به معنی داشتن تاثیر اقتصادی و ایجاد اعتبارسیاسی در کنار یکدیگر است (Oudraat 2000: 121).

۶. دلایل ناکارآمدی تحریم‌ها از منظر اقتصاد سیاسی

نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران اقتصاد سیاسی دلایل متعددی را برای ناکارآمدی تحریم‌ها عنوان می‌کنند که در اینجا در چند قالب کلی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. عوامل بر شمرده شده دارای نوعی پیوستگی و انسجام است و موفقیت یک تحریم در گرو توجه به همه این عوامل است. لازم به یادآوری است این متغیرها را می‌توان بعنوان وجه مشترک در کارایی همه تحریم‌ها در نظر گرفت.

الف - سرعت و مدت زمان تحریم؛ تأثیر عامل زمان بر اعمال تحریم غیر قابل انکار است است. به طور کلی دو نظر در خصوص تأثیر عامل زمان بر اعمال تحریم وجود دارد. اعتقاد عده‌ای بر آن است که بین مدت زمان تحریم با موفقیت آن رابطه‌ای معکوس وجود دارد. هر قدر مدت زمان تحریم کوتاه‌تر و اجرای موارد رژیم تحریم سریع‌تر باشد، تأثیر تحریم‌ها بیشتر خواهد بود. این عده معتقدند که به کشور مورد تحریم نباید فرصت تطبیق و سازگاری با شرایط ناشی از اجرای تحریم را داد و باید با اقدامی ضربتی شوک اقتصادی و سیاسی ضروری برای موفقیت تحریم را در کشور مورد هدف ایجاد کرد. گروه دوم، نقطه مقابل دسته اول محسوب می‌شوند. این گروه معتقدند که تحریم‌ها در صورت طولانی شدن می‌توانند به طوری فزاینده به کشور مورد هدف آسیب برسانند. چرا که به اعتقاد آنها تحریم‌ها همانند زهری هستند که به مرور زمان و به تدریج اثر می‌کنند. در واقع در گذر زمان کشور تحت تحریم به مرور توانایی خود را برای رفع نیازهای ضروری مردم از دست می‌دهد و نهایتاً با به تحلیل رفتن قدرت دولت در مقابل فشارهای داخلی و مقاومت‌های ملی آسیب پذیرتر می‌شود.

ب - میزان حمایت از تحریم : حمایت یا عدم حمایت کشورها از اعمال تحریم‌ها و مشارکت آنها در اجرای آن در موفقیت یا عدم موفقیت آن تأثیری بسزا دارد. به عبارتی تأثیر تحریم‌ها، بخصوص تحریم اقتصادی تا حد قابل ملاحظه وابسته به حمایت بین‌المللی است. در این بین، کشورهای منطقه و همجوار از جایگاهی ویژه برخوردارند. به جرأت می‌توان گفت

کمتر تحریم بین‌المللی تاکنون از اتحاد سیاسی لازم و مستحکم میان تمامی اعضای جامعه بین‌المللی برخوردار بوده است. شواهد مختلف در باب نقض آشکار و غیرآشکار تحریم‌ها از سوی کشورها و کارگزاری‌های دولتی و غیردولتی خود گواهی بر این مدعاست (Wallensteen, 2000:19).

ج - ساختار سیاسی تحریم شونده: بی‌تردید یکی از شاخص‌ها و عوامل توفیق تحریم‌ها بخصوص تحریم اقتصادی به نوع ساختار حکومت و تشکیلات حاکم بر کشور تحریم شده بستگی دارد. با همین دیدگاه است که می‌گویند تاثیرگذاری بر نظام‌های غیر دموکراتیک از طریق تحریم، بسیار دشوارتر از تاثیرگذاری بر دموکراسی‌ها است. عامل کلیدی دیگر آن است که آیا اپوزیسیون سیاسی داخلی دارای قدرت قابل توجه وجود دارد و آیا این تحریم‌ها منجر به تضعیف یا تقویت آنها خواهد شد. از آنجا که تحریم‌ها متکی بر تصورات ویژه از ارتباط میان شرایط و رفتار سیاسی دولتها و مردم است؛ در بررسی تحریم و کارایی آن آگاهی از اینکه دولت در مورد تحریم تا چه میزان نسبت به رنج و محنت مردم خود حساسیت نشان می‌دهد یا مردم چه رابطه‌ای با دولت خود دارند، اهمیت دارد. شرط موفقیت تحریم‌های اقتصادی در گرو انتقال فشار وارده بر اثر تحریم از مردم به دولت است. تحریم‌کنندگان عموماً اصل را به این قرار می‌دهند که تحریم‌ها عرصه را بر زندگی معمولی مردم کشور مورد تحریم چنان تنگ خواهند کرد که مردم نیز همسو با جامعه بین‌المللی دولت خود را تحت فشار قرار می‌دهند تا رفتار سیاسی خود را منطبق با خواسته‌های جامعه بین‌المللی کند (ابوالحسنی، ۱۳۷۵، ۱۶۰). در نظام‌های غیر دموکراتیک، معمولاً دولت سعی می‌کند با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای در دسترس از تبدیل شدن مردم به عامل فشار جلوگیری کنند. در اینگونه، نظام‌ها انتظار اعتراض و اعمال فشار از سوی مردم و یا در صورت اعتراض موفقیت و ثمردهی آن دور از ذهن است. از طرفی دیگر، چنانچه دولت تحریم شده از حمایت و پشتیبانی مردم برخوردار باشد و بعبارتی دارای نظامی دموکراتیک و مردمی باشد، تحریم‌ها می‌توانند خود تبدیل به عامل همبستگی و اتحاد مردم و حمایت بیشتر از دولت تحریم شود. (2000:23)

د- تعیین اهداف: هدف یا اهدافی که تحریم‌کنندگان از اعمال تحریم دنبال می‌کنند نیز بر میزان کارایی و توفیق آن موثر است. بعبارتی دیگر کارایی یا موفقیت تحریم‌ها تا حد زیاد به هدف یا اهداف اولیه از اعمال تحریم بستگی دارد. هدف نسبتاً معتدل و محدود می‌تواند میزان کارایی تحریم را افزایش دهد. عکس این قضیه نیز صادق است. اصولاً یکی از اهداف عمده تحریم‌های سازمان ملل متحد ایجاد شرایطی برای «تغییر یا اصلاح رفتار سیاسی دولت مورد تحریم» اعلام شده است (سند شماره 25 A/50/60 y ژانویه ۱۹۹۵). اما این نکته را نیز باید در نظر داشت که هدف تنبیهی نیز با توجه به انگیزه‌های سیاسی تحریم‌کنندگان همواره وجود دارد.

تفسیر عبارت «اصلاح یا تغییر رفتار سیاسی دولت تحریم شده» می‌تواند دامنه‌ای وسیع بخود بگیرد. تعیین هدف تحریم اساساً امری صرفاً سیاسی است که خود امروزه به صورت معضل در رژیم تحریم‌ها نمود پیدا کرده است.

م - ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کشور تحریم شده: این متغیر در برگیرنده ظرفیت و توانایی کشور تحریم‌شده در مقابله با تحریم و میزان آسیب‌پذیری و نیز وابستگی آن به دیگر کشورها است. یکی از جوانب کلیدی در توان کشور هدف برای دفاع در برابر تحریم، میزان توانایی در بسیج اقتصاد خود برای تامین نیاز داخلی است. این مسئله می‌تواند به کاهش تأثیرات فوری و صدمات بعدی تحریم‌ها منجر شود. در برخی موارد، تحریم همانند تعرفه‌های زیاد عمل کرده و صنایع داخلی را از رقابت با تولیدکنندگان خارجی مصون کرده است (Jentleson 2000: 122). در موارد دیگر، این قدرت اقتصادی دفاع از خود ممکن است به شکل اقتصاد ملی نمود پیدا نکند بلکه دژی برای حفاظت از رژیم حاکم و نخبگان حامی آن از طریق بازارهای سیاه و دیگر راه‌های سودجویانه باشد. جنبه دیگر قدرت کشور هدف برای دفاع از خود در برابر تحریم‌ها، آن است که این کشور تا چه می‌تواند اراده سیاسی را برای تحمل هر هزینه ممکن تحمیلی بسیج کرده و لذا جلوی هر گونه تبدیل تأثیرات اقتصادی به نفوذ سیاسی را بگیرد. به همین دلیل است که بسیاری تأثیرات سیاسی در نهایت به نتیجه معکوس منجر می‌شوند (2000: 123).

گسترش فوق‌العاده وابستگی متقابل بین کشورها و اعضا جامعه بین‌المللی وضعیتی پیچیده را به وجود آورده است. این وابستگی رابطه‌ای دو سویه است. از یک سو این وابستگی، کشور تحریم شده را بخاطر نیازمندی به منافع و بازارهای خارجی ضربه‌پذیر می‌کند؛ و از سوی دیگر، وجود جانشین‌ها و بدیل‌هایی در بازار جهانی و امکان یافتن راه‌های جدید فرایند اجرای تحریم‌ها را دچار مشکل می‌سازد. برای اینکه تحریم‌ها موثر باشند باید به حد کافی وسیع و دارای پشتیبانی باشند که به سادگی، گریز گاهی برای کشور تحریم شده یافت نشود. چرا که در صورتی که کشور تحریم شده، منابع تأمین به غیر از تحریم‌کنندگان بیابد، تحریم تا حد بسیار زیاد خنثی می‌شود.

ه - کنترل و نظارت بر تحریم: از لحاظ تاریخی معمول‌ترین دلیل ناکامی تحریم‌ها، وجود کشورهای دیگر است که به عنوان متحدان تجاری جایگزین برای کشور هدف عمل می‌کنند. دو دلیل اصلی برای اهمیت همکاری چند جانبه از سوی شرکای تجاری احتمالی وجود دارد. گرچه در این صورت شاید بخشی از اولویت‌ها کنار گذاشته شده و یا از کارایی تحریم کاسته شود اما باید توجه کنیم که توان تجارت باید یک کشور ثالث تا حد زیادی تأثیرات اقتصادی تحریم را از بین می‌برد. دوم، شرکای تجاری جایگزین می‌توانند تأثیر سیاسی داشته

باشند که به مسئله ایجاد اعتبار و نفوذ کمک خواهد کرد. با توجه به تبعات و اثرات تحریمها، بخصوص تحریم اقتصادی، در زمینه افزایش قیمت‌ها و جریان اقتصادی کشور و اختلال در نظام واردات و صادرات کشور مورد تحریم، انگیزه سودجویی و بهره‌وری از شرایط موجود را در سودجویان افزایش می‌دهد. وضعیت پیش آمده در کشور مورد تحریم بازیگران اقتصاد آزاد را دچار وسوسه می‌کند تا از شرایط ویژه برای منافع اقتصادی خود بهره گیرند (ابوالحسنی ۱۳۷۵:۱۵۸) از این رو، موفقیت تحریم در گرو آن است که کنترل و نظارتی دقیق و مستمر برای جلوگیری از چنین انحراف‌هایی انجام گیرد.

۷. نظریه «فشار مضاعف»

از عوامل مهم برای موفقیت تحریم‌ها همان چیزی است که به نظریه فشار مضاعف (Multiple Pressure) معروف شده است. تحریم‌های اقتصادی برای دولت حاکم در کشور هدف مشکلات سیاسی بوجود خواهد آورد. دولت حاکم از هر ابزار موجود برای حفظ قدرت استفاده خواهد کرد. اگر جریان مخالف قدرتمند وجود نداشته باشد و با تحریم‌های اعمال شده خارجی نیز موافق باشد می‌تواند از این وضع برای اعمال فشار بیشتر به دولت از داخل استفاده کند. از اینرو، دولت با کشمکشی دو سویه مواجه می‌شود: کشمکش برای کاستن از تحریم‌های خارجی و مهار جریان مخالف در داخل. اگر تحریم‌ها ادامه یابد و جریان اپوزیسیون از داخل عمل کند دولت خود را از دو جهت تحت فشار می‌یابد؛ فشاری مضاعف، این ممکن است توضیح دهنده این باشد که چرا تحریم‌ها در برخی موارد به سرنگونی دولت منجر می‌شوند (Wallenstein2000:15).

مسلماً واکنش‌های جامعه بین‌المللی برای موفقیت تحریم‌ها مهم است. انزوای سیاسی و اقتصادی کشور هدف پیش‌نیاز موفقیت است. یکی از دلایل اینکه از سازمان‌های بین‌المللی برای اعمال تحریم‌ها استفاده می‌شود، همین است. زیرا با این کار حمایت بین‌المللی از اقدام تحریم‌کننده و انزوای تحریم‌شونده بیشتر می‌شود. مهم‌تر از همه، واکنش قدرت‌های بزرگ و همسایگان کشور تحریم‌شونده است. تهدید به بسنده نکردن به تحریم‌ها و دست زدن به اقدام نظامی از جانب قدرت‌های بزرگ موضوعی تازه در بحث تحریم‌ها بوده است (نگاه کنید به مولایی ۱۳۷۳: ۵۷). این را می‌توان به تغییر صحنه بین‌المللی نسبت داد. گزینه مداخله نظامی ممکن است برای آینده تحولی هشدار دهنده باشد. اگر راه حل و گزینه نسبتاً مسالمت‌آمیز مانند تحریم ناموفق تلقی شود وسوسه برای اقدام نظامی ممکن است به عنوان تنها گزینه جایگزین و موجود بیشتر شود.

پس تحریم‌ها در چه شرایطی موفقیت‌آمیز خواهند بود؟ نظریه فشار مضاعف به لزوم انزوای سیاسی اشاره می‌کند. تحریم‌ها باید تأثیرات اقتصادی معین داشته باشند اما مهم‌تر از آن، این است که رژیم تحریم شونده در نظام بین‌المللی هیچ متحد سیاسی نداشته باشد. چنین متحدانی می‌توانند نقشی مهم در تأمین برخی ابزارها برای رژیم تحریم شونده داشته باشند. اما نقش مهم‌تر آنها ممکن است تقویت اراده رژیم تحریم شونده برای مقاومت و مبارزه با تحریم کنندگان باشد. ضعف‌های داخلی در کنار قدرت تأثیرگذاری انزوای سیاسی بین‌المللی زمینه موفقیت تحریم‌ها را فراهم می‌کند و بدین ترتیب رژیم تحریم شونده در معرض فشار مضاعف قرار می‌گیرد (2000:19).

نتیجه

در ارزیابی کارایی تحریم‌ها باید به این موضوع توجه کرد که تحریم‌های اعمال شده کدام یک از سه هدف عمده اطاعت، براندازی و بازدارندگی را دنبال می‌کند. با این حال، ارزیابی اثرات و کارایی همه جانبه تحریم‌ها دشوار است. زیرا این ارزیابی باید در چارچوب زیان‌ها و نتایج احتمالی شیوه‌های دیگر در اختیار تحریم کننده مورد ملاحظه و ارزیابی قرار گیرد. یعنی مقایسه میان زیان‌ها و منافع تحریم‌ها در مقابل دیگر شیوه‌ها از جمله دست روی دست گذاشتن و اقدام نظامی. با وجود اظهارات مختلف از سوی سیاستمداران و تحلیلگران مراکز علمی مبنی بر اینکه تحریم‌ها کارایی سیاسی فوق‌العاده ندارند اما اگر به تحریم‌ها به عنوان بدیل و جانشین جنگ و خونریزی نگریسته شود نتیجه‌گیری و قضاوت سودمندتر و منصفانه‌تر خواهد بود.

ارزیابی میزان موفقیت سیاست تحریم از زاویه دیگر هم کاری دشوار است؛ زیرا در بسیاری از موارد، اهداف تحریم‌های چندگانه بعضاً ناروشن بوده و در پاره‌ای از موارد تحریم‌ها دارای اهداف اعلام نشده هستند. همچنین، غالباً اطلاعات لازم و کافی درباره مطلوبیت نسبی سیاست تحریم در مقایسه با سایر ابزارها و سیاستها در دسترس نیست. دیگر اینکه، تحریم غالباً همراه با ابزارهای دیگر مانند تهدید نظامی و انزوای سیاسی بکار برده می‌شود و به راحتی نمی‌توان گفت که چه مقدار از پیامد حاصله نتیجه تحریم و چه مقدار آن نتیجه کاربرد سایر سیاست‌ها بوده است. افزون بر این، تحریم یک کشور غالباً چندین سال به طول می‌انجامد. طی این مدت گاه تغییرات اقتصادی و سیاسی مهم، مستقل از تحریم نیز روی می‌دهند که تأثیر آنها را نمی‌توان به راحتی از تأثیر تحریم اقتصادی جدا کرد.

در تحلیل نهایی، موفقیت سیاست تحریم به معادله هزینه - منافع آن بستگی دارد. برخی از تحریم‌ها هزینه‌هایی بسیار هنگفت بر مردم کشور تحت تحریم تحمیل می‌کنند. با این وصف،

چنانچه دارای منافع استراتژی اساسی باشد و از زیان‌هایی سنگین‌تر جلوگیری نمایند، می‌توانند همچنان مطلوب محسوب شود. از سوی دیگر، هزینه بالای تحریم گاه می‌تواند ناشی از خطای محاسبه رژیم تحت تحریم، اتخاذ سیاست‌های نادرست و مدیریت نسنجیده امور باشد تا نتیجه اجتناب ناپذیر تحریم مورد نظر. در مجموع، تجربه جهانی حاکی از آن است که تحریم‌ها هنگامی دارای بیشترین تاثیر و کارایی می‌باشند که چند جانبه باشند. اما اعمال تحریم‌های چندجانبه هنگامی میسر است که کشور تحریم کننده بتواند پشتیبانی و همکاری موثر جامعه جهانی را جلب کند.

ارزیابی‌ها در بررسی موفقیت و کارایی تحریم‌ها متفاوت است؛ با این حال اتفاق نظر وجود ندارد بر اینکه آیا تحریم‌ها به تنهایی می‌تواند قرین موفقیت شوند؟ مشکلات جدید و نقائصی که رژیم تحریم‌ها در موارد متعدد تحریم کشورها در چند سال اخیر نشان داده، نیز به این اعتقاد قوت بخشیده است که توفیق تحریم‌ها وابسته به علل و عوامل متفاوت و بعضاً پیچیده است که بدون شناخت و بررسی آن عوامل اعمال تحریم حتی می‌تواند نتیجه معکوس به دنبال داشته باشد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. ابوالحسنی شهرضا، (بهار ۱۳۷۵)، " رژیم تحریم های سازمان ملل متحد"، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد. سال اول، شماره ۱.
۲. زهرانی، مصطفی، (بهار ۱۳۷۶) " تحریم اقتصادی از نظر تا عمل"، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱.
۳. عسگرخانی، ابومحمد، (۱۳۷۵)، " رژیم تحریم های بین المللی". مجموعه سخنرانی‌های سمپوزیوم تحریم آمریکا علیه ایران. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۴. مولایی، یوسف. (بهار و تابستان ۱۳۷۳)، " ماهیت حقوقی مجازات‌های نظامی در بحران کویت"، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۱ و ۲.

ب. خارجی:

1. Abbot Kenneth W(1987). *Economic Sanctions and International Terrorism*. Vand.J. Transnat'l.
2. Baldwin, David(1985). *Economic Statecraft*. Princeton: Princeton University Press..
3. Brown David Leighton(1987). *The Utility of International Economic Sanctions*. New York: St. Martin's Press.
4. Carter Barry E.(1988). *International Economic Sanction: Mproving the haphazard U.S. Legal Regime*. Cambridge: Cambridge University Press.
5. Davidsson Elias(1996). Ten myths about the sanctions against Iraq: By, 15 July 1994. *World History Archives*.
6. Daudi, M.S. and M.S. Dajani(1983). *Economic Sanctions: Ideals and Experience*. - London: Rutledge and Kegan Pact.
7. Drezner, Daniel W., (1998). 'Conflict Expectations and the Paradox of Economic Coercion', *International Studies Quarterly*. 42may.
8. Drezner, Daniel W. (1999), *The Sanctions Paradox: Economic Statecraft and International Relations*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

9. Doxey, Margaret(1990). *"International Sanctions", In World Politics: Power, Interdependence and Dependence*, Canada:Harcourt Brace,Jovanovich.
10. E lliot Kimberly Ann (1996). *Towards-a Framework for Muilateral Sanctions*. Atlanta : carter center .
11. Galtung, John.(1988) "on the Effects or International Economic Sanction," *world politics*, Vol., XIX april .
12. Helm. Sarah(1998). "Crisis in the Gulf: Iraq Can Sell Gold and Smuggle to Defeat Sanction", *Independence*, Nov.
13. Hufbauer, Gary, Jeffery Schott, Kimberly Elliott (1990). *Economic Sanctions 'Recons ideration 'today and Current Policy*. washington , D.C.: Institute for International Economics.
14. Hufbauer Gary Clyde and Jeffrey Schott (2001). Using Sanctions to Fight Terrorism , *Institute for International Economices* .
15. Kaempfer, William H. & Anton D. Lowenberg(1998),. 'The Theory of International Economic'Sanctions: A Public Choice Approach: Reply', *American Economic Review*.79
16. Knorr, Klaus.(1992) *Economic Interdependence and National Security,*" (Boulder : Westview Press.
17. Jentleson Brucew (200\). Economic Sanctions and Post Cold War Conflicts , *the National Academy of Science* , www . nap . cdn / open book / html.
18. Lopez George A. and Cortright David(2000). *The Sanctions Decade : Assessing UN Strategies in the 1990s* .Boulder : Lynne Rienner .
19. Losman Donald L(1979). *International Economic Sanctions*, Albuquerque : University of New Mexico Press.
20. Malloy Michael P(1990). *Economic Sanctions and U.S. Trade*.Boston: Little, Brown.
21. Martin, L.L.(1992), *Coercive Cooperation: Explaining Multilateral Economic Sanctions*, Princeton University Press.
22. Nossal Kim Richard(1994). *Rain Dancng: Sanctions in Canadian and Australian Foreign Policy*. Toronto: University of Toronto Press.
23. Oudraat Jonge . Making Economic Sanctions Work .*Survival*, Vol 42, Number 3, 2000 .
24. Quinn Robert P. O, Policy Analyst(1997), *The Heritage Foundation Backgrounder* No. 1126 of 25 June .
25. Rogers Elizabeth S(1996). "Using Economic Sanctions to Control Regional Conflicts," *Security Studies*,. Vol. 5, No. 4 Summer.
26. Von Furstenberg George M, (1991). "Scoring the success of sanctions " *Journal Open Economies Review Issue*(1990). Volume 2, Number 3 / October.
27. Wallenstein Peter . A Century of Ec- Helm. Sarah. "Crisis in the Gulf: Iraq Can Sell Gold and Smuggle to Defeat Sanction", *Independence*, Nov.